

مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (نثر، داستان)

حکیمه دسترنجی

مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (نثر، داستان)، نشر قطره، تهران ۱۳۷۶،
۳۷۰ صفحه.

مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران ظاهراً برای تدریس در دوره‌های دانشگاهی تألیف شده است. هدف از تألیف آن شناساندن ادبیات فارسی (آثار و سبک‌های ادبی)، به کمک ابزار «نقد ادبی» و به زبانی ساده، به جوانان و دانشجویان ذکر شده به نحوی که «بتوانند، علاوه بر شناسایی، به آنها بیندیشند و هر کدام را به درستی ارزش‌گذاری کنند و در جایگاه واقعی خود قرار دهند».

محمد حقوقی، در «پیش‌نوشت» سه‌صفحه‌ای خود، صورت اجمالی وضع شعر و نثر کهن و معاصر ایران را ارائه داده است. وی، در «اشاره‌ای به گذشته نثر فارسی»، به بررسی سبک‌های نثر فارسی و معرفی آثار مهم هر دوره تاریخی، از قرن چهارم تا قرن سیزدهم، می‌پردازد و آثار مهم هر قرن و ویژگی‌های سبکی آنها را معرفی می‌کند.

نویسنده، در فصل بعد، با عنوان «اشاره‌ای به تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم» به گرایش به ساده‌نویسی اشاره و از نخستین نویسندگانی که آثاری با نثر ساده آفریده‌اند، از جمله فاضل‌خان گروسی، عبدالرزاق بیگ دنبلی، میرزا صادق وقایع‌نگار و عبداللطیف طسوجی یاد می‌کند و نقش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام را در ترویج نثر مسجع فارسی، در عین نزدیک کردن زبان نوشتار به زبان گفتار، نظرگیر می‌شمارد.

فصل بعدی، با عنوان «اشاره‌ای به علل پیدایی نثر معاصر»، در واقع، درآمدی است برای

ورود به بحث اصلی، یعنی معرفی نثر معاصر و بررسی ویژگی‌های سبکی آن. نویسنده، در این فصل، به علل و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد که موجب توجه مردم به علوم و فنون جدید و روی آوردن روشنفکران به سبک‌های نو و ساده شده است. وی، در این باب، به ویژه، شخصیت‌های با نفوذ علمی و فرهنگی چون میرزا حسین سپهسالار، امین‌الدوله، مشیرالدوله، اعتضادالسلطنه، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، میرزا عبدالرحیم طالب‌أف و زین‌العابدین مراغه‌ای را ذی‌نقش معرفی می‌کند.

وی «نخستین جلوه‌های نثر امروز» یا «نخستین جلوه‌های انقلاب در نثر» را در آثار چندتن از نویسندگان آن دوره سراغ می‌گیرد: زین‌العابدین مراغه‌ای، از جهت کاربرد زبان ساده و موضوع تازه در سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ؛ عبدالرحیم طالب‌أف به دلیل دستیابی به زبان ساده و موضوع‌های تربیتی بکر، علی‌اکبر دهخدا به لحاظ طنزپردازی در مقالات چرند و پرند و، سرانجام، محمدعلی جمال‌زاده با انتخاب نوع داستان کوتاه و زبان عامیانه سرشار از ضرب‌المثل و اصطلاحات عوام در این داستان‌ها.

نویسنده، در مقدمه بحث اصلی با عنوان «مشخصات نثر امروز و انواع آن» آورده است که، در این هفتاد سال اخیر، نثرنویسان و داستان‌نویسان ما، به اقتضای زمان، به زبان معمول و متداول روز توجه کردند و دریافتند که افراط در استعمال لغات سنگین مبین میزان فضل آنها نخواهد بود بلکه ارزش هر نویسنده به اعتبار بلندی اندیشه و توانایی بیان آن به زبان ساده و روان و تسلط در رشته تخصصی و قدرت تحلیل و تشریح است. نویسنده سه ویژگی عمده را برای زبان امروز برمی‌شمارد: زبان ساده؛ بار معنایی کامل؛ نقد و تحلیل.

حقوقی نثر را، به اعتبار نوع آثار، به نثر تحقیقی، ادبی، روزنامه‌ای، ترجمه و داستانی تقسیم می‌کند. وی چهار نوع اول را به اختصار و نثر داستانی را به تفصیل شرح می‌دهد. وی در ذیل عنوان «نثر کتاب‌های تحقیقی»، به پژوهش‌های دانشگاهی استادان شامل تصحیح متون و بررسی سبک ادبیات منظوم و مثنوی اشاره و، از میان سه نسل استادان ادب فارسی، برگزیدگان را معرفی می‌کند. در بخش نثر کتاب‌های ادبی، به گرایش نویسندگان ایرانی و، در رأس آنها، یوسف اعتصام‌الملک، به سبک رمانتیک و ترجمه آثار رمانتیک اشاره و از نثرهای در قالب قطعه ادبی یاد می‌کند.

مؤلف نثر روزنامه‌ای را یکی از پرفایده‌ترین و پرمحتواترین جلوه‌های نثر معاصر

می‌شمارد و، با مروری بر تاریخچه روزنامه‌نگاری در ایران، و وضع روزنامه‌نگاری در دوره مشروطه، تفاوت آن را با روزنامه‌نگاری متداول کنونی توصیف می‌کند و معیارهای سبک روزنامه‌نگاری را برمی‌شمارد و بر اهمیت تخصّص در این حوزه تأکید می‌کند. وی شکوفایی روزنامه‌نویسی در دوره مشروطه را ناشی از سه عامل می‌داند: مایه ادبی و علمی روزنامه‌نویسان؛ موقعیت سیاسی- اجتماعی دوره مشروطه و، در نتیجه، ایجاد تحرک در حوزه روزنامه‌نگاری؛ ارج و قدر روزنامه‌نویسی در دوره مشروطه و قدم‌نهادن نویسندگان متبحر در آن.

نویسنده، با اشاره به تاریخچه ترجمه و افتتاح مدرسه دارالفنون و تأثیر آن در رواج ترجمه، از گرایش روشنفکران ایرانی به ترجمه آزاد و، سپس، گذار از ترجمه آزاد به ترجمه مقید به متن و مبتنی بر دانش فنی و زبانی سخن می‌گوید و ویژگی‌های ترجمه صحیح و منقح و نقش مترجم در تحول زبانی و ادبی را بیان می‌کند.

در بخش پنجم، یعنی نثر داستانی، نویسنده، در چند سطر، به سابقه سرگذشت و حکایت و قصه و انواع داستان در ادب فارسی می‌پردازد و ویژگی اصلی آنها را احتوا بر پند و اندرز و ته‌مایه عاطفی ذکر می‌کند. انتظار می‌رفت که نویسنده فصلی را به سابقه سنت ادبیات داستانی ما اختصاص می‌داد که جلوه‌های گوناگون (منظومه‌های حماسی و عاشقانه، متون شبه‌داستانی از زبان جانوران، حکایات به‌خصوص تمثیل‌های عرفانی) داشته و آثاری پرارزش را در بر می‌گیرد که بعضاً جزو ادبیات جهانی شمرده می‌شوند. بدین‌سان، خوانندگان جوان امکان می‌یافتند که میان گذشته و حال پیوستگی برقرار کنند. علاوه بر این، درست است که اشکال تازه ادبیات داستانی از مغرب‌زمین اقتباس شده، اما نباید از این معنی غفلت کرد که پشتوانه سنتی با آنها عجین شده و به‌خصوص زبان داستان‌پردازی از سنت ادبی مایه گرفته است.

مؤلف آثار داستانی را به سه نوع داستان کودکان، نمایش‌نامه و داستان تقسیم می‌کند. وی، در ذیل عنوان داستان کودکان، تاریخچه‌ای موجز و مفید از ادبیات کودکان می‌آورد و از طالب‌أف، به عنوان اولین محقق و نویسنده در آن زمینه یاد می‌کند، بی‌آن‌که، حتی به اجمال، آثار او را در این نوع معرفی کند؛ پس از طالب‌أف، دیگر پیش‌گامان این حوزه مانند ایرج‌میرزا، جبار باغچه‌بان، علینقی منزوی، صادق هدایت و نیمایوشیچ را برمی‌شمارد. سپس، به معرفی نویسندگان و شاعران معاصر و نیز آثار ترجمه‌شده در

حوزه ادبیات کودک و نوجوان می‌پردازد. اما، نویسنده، در این بخش، مرتکب خطای فاحشی می‌شود و ژان کریستف رومن رولان (ترجمه به آذین) را در زمره ادبیات کودک و نوجوان قلمداد می‌کند. حقوقی، در این بخش، هم‌چنین، سازمان‌های فعال در حوزه ادبیات کودکان و آثار مهم ترجمه‌شده را معرفی و به بازسازی داستان‌های موجود در متون کهن اشاره می‌کند. در ذیل عنوان نمایشنامه، مؤلف ابتدا به تاریخچه نمایش می‌پردازد و تعزیه و شبیه‌خوانی و رواج آن را در دوره صفویه یادآور می‌شود. سپس، از تأثیر نمایشنامه‌های ترجمه‌شده در خلق آثار نمایشی هم‌چون تمثیلات میرزا فتحعلی آخوندزاده سخن می‌گوید، و رضا کمال (شهرزاد) و حسن مقدم (علی نوروز) را، به عنوان سرآمدان تئاتر امروز ایران، معرفی و در پایان از برجسته‌ترین آثار و نمایشنامه‌نویسان پس از آنها تا امروز یاد می‌کند.

در بخش داستان‌نویسی، نویسنده داستان را به اعتبار ساختار آن به دو نوع رمان و داستان کوتاه تقسیم می‌کند. (داستان بلند را نیز در ذیل رمان می‌آورد). وی رمان‌هایی را که به زبان فارسی نوشته شده از دو نوع تاریخی و اجتماعی می‌شمارد که سابقه رواج هر دو نوع به دوره رضاشاه بازمی‌گردد. وی معتقد است که رمان اجتماعی در جریان رشد و تحول رمان تاریخی پدید آمده است. در رمان‌های اجتماعی، روابط میان طبقات و قشرهای جامعه، مسئله زن و روابط عاطفی انعکاس یافته است. در واقع، داستان به شکل امروزی آن از همین رمان‌های اجتماعی پدید آمده است.

فصل داستان کوتاه نیز با تاریخچه آن آغاز می‌شود. محمدعلی جمالزاده پایه‌گذار داستان کوتاه به زبان فارسی ساده و روان و با بهره‌برداری از فرهنگ عامیانه است. پس از او، تا مدتی، موضوع همه داستان‌های کوتاه تخیلات رمانتیک بود تا آن‌که صادق هدایت به فضای اجتماعی توجه نمود و ضمناً سنگ بنای داستان بلندنویسی را گذاشت. آثار هدایت، پس از انتشار، قبول عام یافت و حتی به زبان‌های دیگر ترجمه شد. سپس، نویسنده از داستان‌نویس‌های دیگر، از جمله بزرگ علوی، صادق چوبک، نویسنده ناتورالیست، جلال آل احمد، ابراهیم گلستان، محمود اعتمادزاده (به آذین)، ابوالقاسم پاینده، رسول پرویزی، تقی مدرسی، بهرام صادقی، جمال میرصادقی و هم‌چنین از آثار آنان نام می‌برد و می‌کوشد تا ویژگی‌های سبکی آنها را بیان کند. تأثیر ابراهیم گلستان را که، از طریق پدیدآوردن آثاری چون آذر، ماه آخر پاییز، جوی و دیوار و تشنه و مدومه،

نویسندگان ایرانی را متوجه جنبه‌های فنی داستان کوتاه ساخته قابل ملاحظه می‌داند. هم‌چنین، نویسنده برای مجله علمی-ادبی سخن در انتشار و ترویج داستان کوتاه در دهه سی و چهل نقش قایل می‌شود.

پس از دهه سی و چهل، داستان کوتاه از حیث کمی و کیفی پیشرفت کرد. علاوه بر نویسندگان مذکور، که آثار ماندنی‌تری خلق کردند، علیمحمد افغانی با شوهرآهو خانم، اسماعیل فصیح با شراب خام، زکریا هاشمی با طوقی و سیمین دانشور با سووشون پا به عرصه ادب گذاشتند. حقوقی، فهرست بلندبالایی از نویسندگان و آثار خلق شده در دوره رونق داستان‌نویسی معاصر ارائه داده است. در این میان، معرفی جنگ اصفهان و یاد هوشنگ گلشیری جلب نظر می‌کند. بخش داستان‌نویسی با معرفی غلامحسین ساعدی و نادر ابراهیمی به پایان می‌رسد، بی‌آن‌که تقسیم‌بندی تاریخی دقیقی به خواننده ارائه شود. در این بخش، به نویسندگان سرشناسی چون احمد محمود و محمود دولت‌آبادی اشاره‌ای نمی‌رود و ذکر آنها به «کلام آخر» موکول می‌گردد.

حقوقی، در بخش نقد و نقدنویسی، که یکی از مفیدترین بخش‌های کتاب است، به بررسی نقد ادبی در حوزه داستان‌نویسی پرداخته است. او سرآمدان این حوزه، از جمله پرویز خانلری، ابوالحسن نجفی، مسعود فرزاد، رضا براهنی، محمد حقوقی، احمد میرعلائی، احمد تفضلی، علی‌اشرف صادقی، احمد سمیعی و آثار آنها را معرفی می‌کند و، هم‌چنین، آثار ترجمه‌شده در حوزه نقد ادبی را برمی‌شمارد. در این بخش مختصر (سه صفحه‌ای)، دوره نسبتاً کاملی از منابع راجع به نقد ادبی به خوانندگان جوان معرفی شده است.

فصل آخر، حاوی مطالبی درباره «اوج داستان‌نویسی» و بحث درباره «التزام» و «عدم التزام» و نویسندگان معتقد به این دو شیوه در داستان‌نویسی است. سپس، حقوقی به بررسی ادبیات داستانی از آستان انقلاب (سال ۱۳۵۷) تا امروز می‌پردازد. او تأثیر حوادث (انقلاب و جنگ و منازعات سیاسی و گروهی) را در کشاندن نویسندگان به خلوت انزوا و محفل بررسی می‌کند. وی، هم‌چنین، به تأثیر جنگ و توجه اهل قلم به این پدیده و انعکاس آن در ادبیات داستانی می‌پردازد. به زعم او، داستان‌هایی که در ابتدا، با درون‌مایه جنگ نوشته شده‌اند ناموفق بوده‌اند. در واقع، برای تأثیربخشی عمیق این پدیده‌ها و تعمق نویسندگان در آنها گذر زمان ضروری است. از این رو، اهل قلم - جز

چند تنِ معدود - به این نوع نپرداختند و بیشتر روابط اجتماعی پیش از انقلاب را موضوع کار خود قرار دادند. در این دوره، آواز کشتگان رضا براهنی، مجلدات بعدی کلیدر دولت‌آبادی، سمفونی مردگان عباس معروفی، اهل غرق منیر و روانی‌پور و جز آن منتشر می‌شود. حقوقی، در این بخش، هم‌چنین به بررسی همه‌جانبه تحولات اجتماعی می‌پردازد و نویسندگان جوان داستان‌نویس، به‌ویژه، در دهه هفتاد را معرفی می‌کند. وی ویژگی‌های مهم کارهای موفق این گروه را پرداختن به عمق روابط انسانی و عاطفی و دوری از پوچی و بیهودگی و ترسیم انگاره‌ای از انسان هدف‌مند و امیدوار و کنکاش در آداب و رسوم و سنت و توجه خاص به آمیختگی زمان و سبک سیال ذهن می‌داند. و در پایان بحث، افسوس می‌خورد که، در جهانی که فقط داستان‌نویس را نویسنده می‌شناسند، این مقوله در پژوهش‌های دانشگاهی ما راه نیافته است.

در بخش نمونه‌ها (از ص ۶۷-۳۷۰)، پانزده نمونه از پانزده نویسنده آمده است. حقوقی در گزینش نمونه‌ها به خصایص و به جهات زیر نظر داشته است: کوتاهی داستان‌ها، سادگی و محتوای مؤثر آنها، گوناگونی نثر، داستان‌های اجتماعی نشان‌دهنده دوره‌ای از تاریخ، فضای انحصاری داستان، فضای روستا، ذکر یکی دو نمونه کار با شیوه‌های جدید داستان‌نویسی.

نام نویسندگان و داستان‌های نمونه آنها بدین قرار است: محمدعلی جمال‌زاده (فارسی شکر است)، صادق هدایت (سگ و لگد)، بزرگ علوی (گیله‌مرد)، صادق چوبک (عدل)، جلال‌آل احمد (مدیر مدرسه)، ابراهیم گلستان (ماهی و جفتش)، سیمین دانشور (سوشون)، تقی مدرسی (یکلیا و تنهایی او)، بهرام صادقی (مهمان ناخوانده در شهر بزرگ)، جمال میرصادقی (دیوار)، غلامحسین ساعدی (گاو)، اسماعیل فصیح (دل کور)، هوشنگ گلشیری (شازده احتجاب)، محمود دولت‌آبادی (جای خالی سلوچ)، احمد محمود (مدار صفر درجه).

کار حقوقی پرمحتوا و از جهاتی نو است. وی، علاوه بر بررسی کامل و موجز نثر فارسی در متن، توضیحات بسیار مفیدی در پانویشت‌ها گنجانده است. این اثر می‌تواند سنگ‌بنای تحقیقات بعدی در محافل دانشگاهی قرار گیرد و نیز موجب توجه بیشتر و عمیق‌تر جوانان، به‌ویژه دانشجویان ادبیات، به ادبیات داستانی شود.

